

اسطوره

● معصومه رجبی

خوشبختانه ما ایرانیان از فرهنگ و تمدن اصیلی برخورداریم که لازم است مسؤولیت حفظ و شکوفایی آن را به نحو احسن پذیرا باشیم، بنابراین باید که اصول و پایه آن را شناخته و برای تداوم آن و هماهنگی با زمانه پیش رویم. یکی از راههای شناسایی، دقت در واژه‌های کهن است، واژه‌هایی چون اهریمن، فرور، اسطوره و... که توجه به این کلمات ما را در مسیر کشف هزاران مورد ناگفته قرار می‌دهد.

در ادبیات بسیار از اسطوره یاد می‌شود... واقعاً اسطوره چیست؟

غرض از این بحث شناخت دقیق اسطوره و اهمیت آن نه تنها در ادبیات بلکه در جهان‌شناسی باستانی است. اسطوره اولین جهان‌بینی قومهای کهن (هندی، آریایی و...) در سراسر دنیا است، که بر پایه تخیل شکل گرفته، خیالپردازی دربارۀ آغاز جهان و اتفاقات آن و چگونگی تولد انسان بر کره خاکی و...

بهتر است برای شروع بحث اسطوره از تعاریف متعارف آن یاد کنیم.

کلمه اساطیر که جمع اسطوره است، واژه تغییر یافته یونانی لاتینی هیستوریا Historia و به معنی سخن و خبر راست، یا جستجوی راستی است، که به زبان عربی و سپس به زبان فارسی راه پیدا کرده است در تعریف اسطوره، دانشمندان، زبان‌شناسان، مردم‌شناسان و فلاسفه، هر یک نظری متفاوت دارند. اسپنسر Spencer فیلسوف انگلیسی سده هجده میلادی، اساطیر را یادی از حوادث تاریخی و قهرمانان آن راء کسانی می‌داند که در گذشته می‌زیسته و در ذهن آیندگان، با هاله‌هایی از افسانه‌ها و خیالات، خاطره‌های خوش و ناخوش بجا گذاشته‌اند.

در حالی که در تقابل این نظریه، فرهنگ‌دهندگان، لیتز و لاروس، از اساطیر به عنوان داستانها و اتفاقاتی که پایه و اساس تاریخی نداشته و زائیده خیال است یاد می‌کنند. فریزر Frizer صاحب کتاب «شاخه‌های زرین» عقیده دارد که همه اساطیر، اصلاً مربوط به بارآوری و حاصلخیزی طبیعت است.

«در این میان علم روان‌شناسی و بسیاری از دانشمندان مردم‌شناس، اسطوره را زائیده خیال و ذهن و روح انسان ابتدایی دانسته‌اند.»^۱

در هر حال آنچه مسلم است اینست که، «برای اساطیر نمی‌توان نظریه کلی بیافت، ولی برای اساطیر هر ملت یا قومی می‌توان تعبیرهای خاص پیدا کرد.»^۲

چراکه اسطوره بنابر تاریخ و اعتقادات مردم سرزمین خویش شکل گرفته و با آن گرهی ناگسستنی برقرار نموده است و به تناسب مصائب و اتفاقاتی که بر آن قوم روی داده، متفاوت خواهد بود.

تولد اسطوره

پدران ما از آغاز زندگی خود جهت برقراری ارتباط، شناخت و در نهایت پاسخگویی به سؤالات

متعددشان پیرامون خلقت این جهان و موجودات آن به ذهن خلاق خود پناه برده و این ذهنیت جوشان، سبب تولد اسطوره، قصه و افسانه‌های متنوعی شده است.

برخی بر این عقیده‌اند که: خیال‌پردازی و داستان‌سرایی اسطوره «برای جبران کمبودهای درک شده، توسط انسان بوده است.»^۳ و نظریه دیگری، اساطیر را دارای ریشه‌ای دینی و ادامه این می‌داند که در آخر به خداجویی و پرستش می‌انجامد. آنچه در هر دو نظریه دیده می‌شود آن است که آدمی لزوم وجود نیروی برتر این جهان را درک نموده است. به عبارتی اعتقاد به نیروی ماورایی، که همه چیز در ید قدرت اوست و در نهایت ترس و پرستش آن نیرو بزرگترین سبب پیدایش اسطوره‌هاست.

- تداخل معانی واژه‌ها

- تفاوت اسطوره با...

افسانه

اغلب به غلط واژه افسانه یا واژه‌هایی چون حماسه و روایا را به جای اسطوره به کار می‌برند، در صورتی که هر یک از این واژه‌ها با ویژگی‌های مشخص، با هم متفاوتند.

اسطوره، داستان و سرگذشتی مینوی است که چگونگی خلق، تحول و مرگ پدیده‌های طبیعی را در قالب قصه‌های جذاب، که بخشی از آن از سنتها و روایتها گرفته شده است و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارد، به ما نشان می‌دهد.

و اما افسانه با آنکه همانند اسطوره، از باورهای مردمان نشأت گرفته و تخیلی و غیرواقعی است ولی از شکوه و بزرگی آن تهی است.

«افسانه‌ها تنها می‌توانند پاره و بخشهایی از اساطیر کهن باشند که کارایی و ارزش خود را چونان پیکره‌ای زنده و فرهنگی از دست داده‌اند.

همانند امپراتوری، یا سرزمینی سترگ که فرو می‌ریزد و از هم می‌پاشد، سپس آنگاه که یکپارچگی آن از میان رفت دهها سرزمین کوچک و گسسته از یکدیگر پدید می‌آید.»^۴ همانند افسانه که از دل اسطوره بیرون آمده است. به طور نمونه می‌توان از افسانه‌ها و حکایات پندآموز کلیله و دمنه و افسانه کوچک هفت کوتوله و سفید برقی نام برد.

حماسه

حماسه نیز فقط بخش جنگ‌آوری و تند و تیزی و دلاوری را به نمایش درمی‌آورد و نشانی از دیدگاه جهان‌شناسی موزون موجود در اسطوره را ندارد و تنها می‌تواند به عنوان کودک دلاور آن محسوب شود.

حماسه از ستیزه‌ناساها سخن می‌گوید، مانند قصه‌هایی که در متون پهلوی در بیان ستیز نیکی و بدی ذکر شده و حماسه‌های موجود در شاهنامه فردوسی.

روایا

و اما روایا، زبان روایا نیز چون اسطوره، زبانی است نمادین و رمزآلود و این از آنجاست که هر دو آنها کم و بیش یا ناخودآگاه پیوند دارند؛ ناخودآگاه در روایا، کل و جود و در اسطوره، قسمت کوچکی را به خود اختصاص می‌دهد.

با همان وسعتی که در روایا ناخودآگاه ما به زبان درمی‌آید، در اسطوره تخیل و به عبارتی خودآگاه ما این وظیفه را به عهده دارد.

«از طرفی خیال‌پردازی درست برخلاف روایا، خلاق و ژرف است.»^۵

با این مقدمه، شاهد تفاوت عمده روایا و اسطوره هستیم که به مدد داستان‌سرایی و خودآگاه بودن و نقش تخیل و تجسم در اسطوره و به خلاف آن، ناخودآگاه در روایا، فراهم آمده است.

رویا هم مانند دیگر موارد تنها می‌تواند بخش کوچکی از اسطوره باشد، بخشی از داستان که موجود اسطوره‌ای از آن در جهت اطلاع و پیروزی در جنگ با دشمن سود می‌برد، مانند روای معروف یعقوب درباره پسرانش. پس می‌بینیم، اسطوره نه جنبه افسانه‌ای محض دارد و نه در قالب روایا و حماسه می‌گنجد بلکه داستانی است که به اعتبار محتوای خود از وقایع بزرگ ازلی، آغاز جهان، بشریت؛ آیین، زندگی و ادامه آن و سرانجام مرگ حکایت می‌کند.

چرا که آدمی همیشه تمایل بازگشت به آغاز این جهان را داشته و از آنجا که این امر میسر نیست، ذهن خلاق خود را به پرواز پیرامون آن در آورده و در این اثناء شخصیت‌های مافوق طبیعی و قهرمانانی که دارای نیرو، تقدس و احترام خاصی هستند، پدید آورده است تا آنچه را از دست انسان بر نمی‌آید انجام دهند.

اهمیت اسطوره نیز در بیان دیدگاه آدمی نسبت به خود، جهان و آفریدگار و نتیجه اخلاقی است که از آنها گرفته می‌شود و هیچ انطباقی با نظام منطقی و علمی ندارد.

جهان‌بینی اسطوره‌ای

«اسطوره در گسترده‌ترین معنا، گونه‌ای جهان‌بینی باستانی است»^۶ و با آنکه دو دوره جهان‌شناسی از آن می‌گذرد هنوز، اثرگذار و نیرومند باقی مانده است و یکی از پایه‌های مستحکم فرهنگ و اندیشه آدمی محسوب می‌شود. چرا که پایه‌های تفکر آدمی در مورد جهان است، که از مردمان کهن به یادگار مانده است.

همانند جهان‌بینی فلسفی و علمی، در جهان‌بینی اسطوره‌ای، انسان کوشیده است به مدد تخیل و اعتقادات به پرسشهای بنیادین خود پیرامون جهان و انسان به پاسخی شایسته دست یابد تا با گشایش قسمتی از رازها، بر ترسهای اولیه خود از طبیعت فائق آید، چرا که ترس از جهل نشأت گرفته است و هر آینه موضوع مجهول از میان رود، ترس نیز از بین خواهد رفت.

و بدین ترتیب می‌بینیم، اسطوره توانسته، نیازهای فلسفی و فرهنگی آدمی را برآورد و به پرسشهای او پاسخ دهد. در حقیقت با تولد اسطوره اولین تلاش انسان برای به چنگ آوردن سرشته زندگی و ادامه آن به تحقق پیوست.

فهرست منابع

۱. رحیم عقیقی - «اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های بهلولی» - تهران، انتشارات توس - ۱۳۷۶.
۲. رحیم عقیقی - منبع پیشین.
۳. علیقلی محمودی بختیاری - «زمینه فرهنگ و تمدن ایران ج ۱» - تهران - انتشارات مدرسه عالی بازرگانی - ۱۳۵۳.
۴. میر جلال‌الدین کزازی - «روایا، حماسه، اسطوره» - تهران - نشر مرکز - ۱۳۷۶.
۵. گاستون باشلار - «روانکاوی آتش» - ترجمه: جلال ستاری - تهران - انتشارات توس - ۱۳۷۶.
۶. میر جلال‌الدین کزازی - منبع پیشین.